



تعریف و فضیلت توبه از منظر قرآن و روایات / چرا راه توبه برای آدم باز شد

توبه نصح توبه ای است که خداوند مردم را به مثل آن دعوت کرده، چون دارای آثار نیک ظاهری در وجود توبه کننده است، یعنی این نوع توبه، مردم را به توبه ترغیب می کند، چرا که تائب را فرد خالص و بی غل و غش مشاهده می کنند.

توبه نصح توبه ای است که خداوند مردم را به مثل آن دعوت کرده، چون دارای آثار نیک ظاهری در وجود توبه کننده است، یعنی این نوع توبه، مردم را به توبه ترغیب می کند، چرا که تائب را فرد خالص و بی غل و غش مشاهده می کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، اهل لغت "توبه" را برگشت از گناهان و اعتراف به بدی آن تعریف کرده اند. برخی گفته اند پوزش و عذرخواهی بر سه قسم است؛ یا طرف می گوید من نکردم، یا می گوید برای این جهت انجام دادم، یا می گوید من کردم و بد کردم و آن را ترک کردم، که این نوع آخر همان توبه است. اما توبه در شرع، ترک گناه است از جهت زشتی آن، پشیمانی از آنچه انجام شده، تصمیم به ترک معصیت و انجام اعمال درست به هر میزان که امکان دارد و هر موقع این چهار رکن محقق شد شرایط توبه کامل شده است.

در قرآن و روایات دو قسم توبه مشاهده می شود؛ یکی "توبه نصح" و دیگر "توبه مطلق". توبه مطلق به این معناست که انسان از گناه پشیمان شود و تصمیم بر عدم بازگشت به گناه را داشته باشد، و توبه نصح توبه ای است که خداوند مردم را به مثل آن دعوت کرده چون دارای آثار نیک ظاهری در وجود توبه کننده است، یعنی این قسم از توبه مردم را ترغیب به توبه می نماید چون تائب را فرد خالص و بی غل و غش مشاهده می کنند. روایت شده که از امام عسکری(ع) می پرسند؛ توبه نصح چیست؟ حضرت در جواب می نویسد؛ باطن مانند ظاهر باشد بلکه بالاتر. 1

فقهائ نیز در کتب فقهی، وقتی توبه را عنوان می کنند، با اقوال مختلف بیان کرده اند. در "عروة الوثقی" اثر آیت الله سید محمد کاظم یزدی پشیمانی را به تنهایی برای توبه کافی می داند و بسیاری از مراجع هم آن را پذیرفته اند. البته این فتوا طبق روایاتی است که وارد شده است. 2

در بیش از هشتاد آیه قرآن از توبه نام برده شده و در فضیلت و لزوم آن سفارش شده است. از جمله آیه 8 سوره تحریم می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده اید! به سویی خدا توبه کنید توبه خالص". همچنین آیه 32 سوره مبارکه نور می فرماید: "ای مومنین! همه به سویی خدا توبه نمایید، امید است رستگار شوید.

آیه 54 سوره مبارکه بقره حالات حضرت موسی(ع) با قومش را بیان می کند و می فرماید: "و هنگامی که موسی به ملت خود گفت؛ ای مردم به راستی که شما بر نفس خود به گوساله پرستی خود، ستم نمودید. پس به سویی خدای خود بازگشت نمایید و خود را بکشید که آن برای شما در نزد پروردگارتان بهتر است خداوند توبه شما را می پذیرد، زیرا او پذیرنده مهربانی است.

همچنین آیه 222 سوره بقره می فرماید: "...خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست دارد." و آیه 104 سوره توبه نیز می فرماید: "آیا ندانستند که خداوند توبه پذیر است از بندگان خود و صدقات را می گیرد و اینکه خدا توبه پذیر مهربان است."

روایات بسیاری نیز در خصوص توبه و لزوم آن و فوایدی که بر آن مترتب است از پیامبر(ص) و ائمه اطهار (ع) وارد شده است. راوی از امام صادق(ع) روایت می کند که فرمود: هنگامی که بنده ای توبه خالص کند، خداوند او را دوست دارد، سپس بر او گناه را بپوشاند. من گفتم چگونه بر او می پوشاند؟ فرمود؛ فراموشی را بر فرشتگان مامور او که علیه او نوشته اند عارض کند و به اندام های او و به بقعه های زمین وحی نماید که بر او گناهانش را کتمان نمایند، پس در روزی که خدا را ملاقات می کند، ملاقات خواهد کرد در حالی که چیزی نیست که علیه او به چیزی از گناهان گواهی دهد. 3

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: به سویی خدا توبه کنید و در بهشت او داخل شوید، زیرا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد و مومن بسیار بازگشت کننده است. 4 همچنین از حضرت رضا (ع) روایت شده که فرمود: توبه کننده از گناه مانند کسی است که برای او گناه نیست. 5

از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده است: آدم عرضه داشت بارالها! بر من شیطان را مسلط ساختی و او را در عروق بدن من جایی دادی، پس به من چیزی در مقابل عطا کن. خطاب رسید؛ ای آدم! برای تو چنین مقرر داشتیم؛ هر که از فرزندان تو قصد گناهی کرد، بر او نوشته نشود و اگر بعد از آن، آن را انجام داد، بر او یک گناه بنویسیم و هر که از آنان قصد حسنه ای کرد، اگر آن را انجام نداد برای او یک حسنه بنویسیم، و اگر آن را به جا آورد برای او ده حسنه بنویسیم عرضه داشت؛ خدایا! زیاد کن، فرمود؛ هر که از آنها عمل بدی انجام داد، سپس از آن طلب آمرزش نمود، او را بیامرزیم عرضه داشت؛ پروردگارا! زیاد کن. خطاب رسید؛ توبه را برای آنها قرار دادم

و آن را توسعه دادم تا آنکه نفس به گلو رسد. عرضه داشت پروردگارا مرا کفایت کند.6

1- سفينة البحار، ج 1، ص 126

2- عروة الوثقي، ص 117

3- وافي، ج 2 ، ص 183

4- بحار، ج 3، ط قدیم، ص 86

5- بحار، ج 3 ، ص 84

6- بحار، ج 3 ، ط قدیم، ص 83